جواب سید به استدلال به اخبار رویت برای نفی اعتبار رویت قبل از زوال

صفحه دوازدهم بودیم. فرمودند: «اما عن الرابع فبانّ...». عرض شد «الرابع»ی که در استدلال قول مشهور فرموده بودند اخبار دال بر این بود که صوم و افطار به رؤیت است. مرحوم سید وجه الاستدلال را دو مورد قرار دادند. یکی اطلاق رؤیت بود که از آنها فهمیده نمی‌شد. و همچنین «و ایضا فالامر». این قسمت دوم هنوز مانده است. فعلاً در جواب از وجه اول استدلال به اخبار رؤیت هستیم.

> **و أمّا عن الرابع، فبأنّ ظهور لفظ الرؤية في الرؤية الشائعة المتعارفة لا يدلّ على عدم إرادة غيرها من اللفظ، و إنّما يقتضي ذلك القطع بإرادتها منه، و يتوقّف إرادة الغير و عدمها على دليل يدلّ عليه. و كما لا يدلّ اللفظ على إرادة الرؤية الغير الشائعة فكذا لا يدلّ على عدم إرادتها.**
>
> **و ليس الظهور هنا بمنزلة ظهور اللفظ في المعاني الحقيقية؛ لأنّ الظهور فيها يقتضي حمل اللفظ على المعنى الظاهر و إرادته منه خاصّة؛ حذرا عن لزوم المجاز، بخلاف الظهور هنا، فإنّه لا يلزم التجوّز على تقدير إرادة المعنى الغير [كذا] الظاهر منه.[1]**

«و أمّا عن الرابع، فبأنّ ظهور لفظ الرؤية في الرؤية الشائعة المتعارفة لا يدلّ على عدم إرادة غيرها من اللفظ»؛ اگر لفظ رؤیت، ظهور در رؤیت متعارف داشته باشد، اینطور نیست که دلالت بر عدم هم داشته باشد. در این ظهور دارد اما دلالت ندارد بر اینکه غیر رؤیت شایع هم اراده نشده و دلالت بر نفی کند.

«و إنّما يقتضي ذلك القطع بإرادتها منه، و يتوقّف إرادة الغير و عدمها على دليل يدل عليه»؛ تنها چیزی که این ظهور دلالت بر آن دارد، این است که قدر متیقن از اراده این است. پس مقصود از «ارادتها» اراده شایع است.

«و إنّما يقتضي ذلك»؛ ظهور لفظ در رؤیت متعارفه، **«القطع بإرادتها منه»؛** مقتضی قطع به این است که این متعارف حتماً هست. نمی‌توانیم بگوییم این منظور نیست. **«منه»؛** یعنی از این لفظی که رؤیت است که ظاهر در آن شایع است.

«و يتوقّف إرادة الغير و عدمها»؛ اراده و عدم اراده غیر شایع، **«على دليل يدلّ عليه»؛** باید از بیرون نگاه کنیم. خودش دلالت بر نفی و وجود ندارد.

بنابراين سيد مى‌خواهند بگويند روايات رؤيت قبل از زوال، دليل بر اين است كه اينها هم منظور هست. خيلى تفاوت مى‌كند؛ يک وقت مى‌گوييم روايات قبل از زوال، رؤيت را تخصيص مى‌زند. اما سيد مى‌خواهند بگويند تخصيص نيست، چون روايات رؤيت ظهور در قدر متيقن دارد و بقيه اش دليل مى‌خواهد، روايات رؤيت قبل از زوال دليل مى‌شوند بر اينكه حتى رؤيت در نهار هم منظور از روايات رؤيت هست. اين نكته‌اى است كه سيد به دنبالش هستند و ازاينجهت اهميت دارد.

«و كما لا يدلّ اللفظ على إرادة الرؤية الغير الشائعة فكذا لا يدلّ على عدم إرادتها»؛ محتاج دليل هستيم؛ روايات قبل از زوال دليل هستند. پس حمل مطلق بر مقيد و تخصيص كنار رفت. در اينجا چون مرعى است و ساكت است، روايات رؤيت قبل از زوال دليل بر اراده مى‌شود. دليل بر اينكه اصالاً اراده شده است. اين قسمت اول فرمايش ايشان است.

---

[1] رؤيت هلال، ج۳، ص: ۱۹۸۱

بازبینی #1
ایجاد شده 4 آوریل 2026 14:18:38 توسط ... .
به روزرسانی شده 4 آوریل 2026 14:20:53 توسط ... .